35914 ـ حکمت‌های نهفته در ابتلا و آزمایش

سوال

بسیار شنیده‌ام که حکمت‌های بزرگی در پس وقوع ابتلا و آزمایش‌ها نهفته است. این حکمت‌ها چیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

بله، ابتلا حکمت‌هایی بزرگ را در خود دارد، از جمله:

۱ـ محقق شدن عبودیت برای پروردگار جهانیان:

زیرا بسیاری از مردم بندهٔ هوای نفس خود هستند نه بندهٔ الله. اعلام می‌کنند که بندهٔ خدایند اما در صورت ابتلا عقب نشینی می‌کنند و دنیا و آخرت را از دست می‌دهند که این همان زیان آشکار است. الله تعالی می‌فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ [حج: ۱۱]

(و از میان مردم کسی است که الله را فقط بر یک حال [و بدون عمل] می‌پرستد پس اگر خیری به او برسد بدان اطمینان یابد و چون بلایی به او رسد روی برتابد؛ در دنیا و آخرت زیان دیده است، این است همان زیان آشکار).

۲ـ ابتلا، به مثابهٔ آماده سازی مؤمنان برای قدرت گرفتن در زمین است:

به امام شافعی ـ رحمه الله ـ گفتند: کدام یک بهتر است: صبر یا محنت یا تمکین (قدرت یافتن)؟ فرمود: تمکین درجهٔ پیامبران است و تمکین رخ نمی‌دهد مگر پس از محنت، که اگر مورد امتحان قرار گیرد صبر پیشه می‌سازد و چون صبر پیشه سازد قدرت و تمکین یابد.

۳ـ کفارهٔ گناهان:

ترمذی (۲۳۹۹) از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: بلا همچنان در نفس و فرزند و مال مرد و زن مؤمن رخ می‌دهد تا آن‌که به دیدار الله برود در حالی که گناهی بر وی نیست به روایت ترمذی (۲۳۹۹)

و آلبانی در السلسلة الصحيحة (۲۲۸۰) آن را صحیح دانسته است.

و از انس ـ رضی الله عنه ـ روایت است که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: هرگاه الله برای بنده‌اش ارادهٔ خیر کند مجازاتش را زودتر در دنیا قرار می‌دهد و هرگاه الله برای بنده‌اش ارادهٔ بد کند گناهش را نگه می‌دارد تا در روز قیامت از وی [مجازاتش] باز ستانده شود به روایت ترمذی (۲۳۹۶) و آلبانی در السلسلة الصحيحة (۱۲۲۰) آن را صحیح دانسته است.

۴ـ به دست آوردن پاداش و بالا رفتن درجات:

مسلم (۲۵۷۲) از عایشه ـ رضی الله عنها ـ روایت کرده که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: خاری یا بالاتر از آن به مؤمن نمی‌رسد مگر آن‌که الله با آن درجه‌ای بر درجات او می‌افزاید یا گناهی از او کم می‌کند.

۵ـ ابتلا فرصتی است برای اندیشه در عیب‌های نفس و اشتباهات مرحلهٔ گذشته:

چرا که اگر این ابتلا، مجازات باشد باید پرسید کجا خطایی رخ داده؟

۶ـ بلا، درسی است از دروس توحید و ایمان و توکل:

ابتلا به شکل عملی حقیقت نفس تو را برایت نمایان می‌سازد تا بدانی که بنده‌ای ضعیفی و قدرتی نداری مگر از سوی پروردگار، در نتیجه به او توکلی شایسته می‌کنی و آن‌طور که باید به او پناه می‌آوری. آن‌جاست که مکانت و تکبر و خودبینی و غرور و غفلت از بین می‌رود و می‌دانی که نیازمند مولای خود هستی و ضعیفی هستی که به آن قوی عزیز پناه می‌بری.

ابن قیم ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

اگر او ـ سبحانه و تعالی ـ بندگانش را با داروی سختی‌ها و ابتلا مداوا نمی‌کرد، سرکشی می‌ورزیدند و تجاوز پیشه می‌ساختند و الله سبحانه هرگاه برای بنده‌اش خیر بخواهد به قدر حالش دارویی از ابتلا و امتحان به او می‌نوشاند تا بیماری‌های هلاک کننده را از او خارج سازد و همین که پاک و تصفیه شد او را برای والاترین مراتب دنیا یعنی بندگی و برترین ثواب آخرت که دیدن و نزدیکی خودش است شایستگی عطا می‌کند (زاد المعاد: ۴/ ۱۹۵).

۷ـ ابتلا، خودبینی و خودپسندی را از درون انسان خارج می‌سازد و او را به خداوند نزدیک‌تر می‌سازد.

ابن حجر ـ رحمه الله ـ دربارهٔ آیهٔ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ (و روز حنین، آن هنگام که تعداد زیادتان شما را به شگفت آورد) می‌گوید: یونس بن بُکَیر در زيادات المغازي می‌گوید: از ربیع بن انس روایت است که مردی در روز حُنین گفت: امروز به سبب کمیِ تعدادمان شکست نخواهیم خورد. پس این سخن بر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ گران آمد و چنان بود که شکست پیش آمد....

ابن قیم ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

مقتضای حکمت الهی بود که در آغاز، تلخیِ شکست را با وجود زیادی تعداد و امکانات به مسلمانان بچشاند تا سرهایی را پایین آورد که بر اثر فتح بلند شده و چنان‌که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ با سر خمیده بر اسبش وارد حرم شده بود آن‌قدر که نزدیک بود چانهٔ ایشان از شدت تواضع برای پروردگار و فروتنی در برابر عظمت و عزت او به افسار برسد، وارد سرزمین و حرم او نشده بودند (زاد المعاد: ۳/ ۴۷۷).

قاسمی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

یعنی: آنان را خالص و از گناهان و آفت‌های نفس پاک سازد. همچنین آنان را از منافقان خالی ساخت در نتیجه از آنان تمییز داده شدند... سپس حکمت دیگری را ذکر کرده و آن هلاک شدن کافران است، زیرا اگر پیروز شوند سرکش می‌شوند و تکبر می‌ورزند و این سبب نابودی و هلاکت آنان می‌شود، زیرا سنت الله بر این رفته که هرگاه خواهان هلاکت دشمنان خود شود اسبابی را فراهم می‌سازد که مستوجب هلاکت آنان می‌شود که از بزرگترین این اسباب بعد از کفر، تجاوزکاری و سرکشی آنان در آزار رساندن به اولیایش و جنگیدن با آنان و مسلط شدن بر آنان است... و الله کسانی را که در روز احد با رسول خدا ـ صلی الله علیه وسلم ـ جنگیده بودند و بر کفر پافشاری کردند همگی به هلاکت رساند (۴/ ۲۳۹).

۸ـ اظهار حقیقت مردم و معدن درونی آنان،زیرا کسانی هستند که فضل و برتری‌شان آشکار نمی‌شود مگر به هنگام سختی‌ها.

فضیل بن عیاض ـ رحمه الله ـ می‌گوید: مردم تا وقتی که در عافیت‌اند پوشیده‌اند، پس همین که بلا نازل شود به حقیقت خود آشکار می‌شوند؛ پس مومن به سوی ایمانش می‌رود و منافق به سوی نفاقش.

همچنین بیهقی در دلائل النبوة از ابوسلمه روایت کرده که گفت: مردم بسیاری پس از واقعهٔ اسراء به فتنه افتادند (یعنی پذیرش واقعهٔ اسراء برایشان گران آمد و از دین برگشتند) پس عده‌ای به نزد ابوبکر آمدند و این را به وی گفتند. ایشان فرمود: گواهی می‌دهم که او راستگوست. گفتند: باور می‌کنی که او در یک شب به شام رفته و سپس به مکه بازگشته؟ گفت: بله، من در دورتر از آن او را راستگو می‌شمارم، او را تصدیق می‌کنم که خبر آسمان را می‌آورد. راوی می‌گوید: پس او صِدّیق نامیده شد.

۹ـ ابتلا، باعث تربیت مردان و آمادگی آنان می‌شود:

خداوند برای پیامبرش ـ صلی الله علیه وسلم ـ از کودکی زندگی سخت همراه با ناملایمت‌ها را برگزید تا او را برای وظیفهٔ بزرگی که منتظرش بود آماده سازد. وظیفه‌ای که جز مردانِ قوی توان صبر بر آن را ندارند؛ مردانی که سختی‌ها آنان را ساخته و در برابر مشکلات مقاومت کرده‌اند و مبتلای مصیبت‌ها شده‌اند و بر آن صبر پیشه کرده‌اند.

پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ یتیم بزرگ شد، سپس مدت زمانی به درازا نکشید که مادرشان نیز از دنیا رفت.

الله سبحانه و تعالی این را برای پیامبرش ـ صلی الله علیه وسلم ـ یادآور شده و فرموده است:

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى [ضحی: ۶]

(مگر نه آن‌که تو را یتیم یافت پس پناه داد).

گویا ارادهٔ الله بر این بوده که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ را برای برداشتن بار مسئولیت و تحمل سختی‌ها آماده سازد.

۱۰ـ از دیگر حکمت‌های این ابتلاها و سختی‌ها این است که انسان دوستان واقعی و دوستان منفعتی را از هم تشخیص می‌دهد، چنان‌که شاعر می‌گوید: خدا به سختی‌ها خیر دهد، که با آن دوست را از دشمن تشخیص دادم!

۱۱ـ ابتلا، گناهانِ انسان را به یاد او می‌آورد تا از آن توبه کند:

الله عزوجل نیز می‌فرماید:

مَّا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِن سَيِّئَةٍ فَمِن نَّفْسِكَ [نساء: ۷۹]

(هر چه از خوبی‌ها به تو می‌رسد از جانب الله است و آن‌چه از بدی به تو می‌رسد از خود توست).

و می‌فرماید:

وَمَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ [شوری: ۳۰]

(و هر مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [الله] از بسیاری درمی‌گذرد).

بنابراین، بلا فرصتی است برای توبه، پیش از آن‌که عذاب بزرگِ روز قیامت فرا رسد، زیرا الله متعال می‌فرماید:

وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ [سجده: ۲۱]

(و قطعا به جز آن عذاب بزرگتر [آخرت] از عذاب این دنیا به آنان می‌چشانیم، امید که آن‌ها [به سوی الله] بازگردند).

عذابِ دنیا همین سختی‌ها و ناخوشی‌هایی است که به انسان می‌رسد.

اما اگر زندگی در خوشی و آسایش ادامه می‌یافت انسان به مرحلهٔ غرور و تکبر می‌رسید و خود را بی‌نیاز از خداوند می‌دانست، بنابراین از رحمت خداوند است که انسان را مبتلا سازد تا به سوی او بازگردد.

۱۲ـ ابتلا حقیقت دنیا و فریب بودن آن را به انسان نشان می‌دهد:

و این‌که زندگی حقیقی کامل در پی این زندگی دنیاست، آن زندگی‌ای که در آن نه بیماری است و نه سختی:

وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ [عنکبوت: ۶۴]

(و زندگی حقیقی همانا سرای آخرت است، ای کاش می‌دانستند)

اما این دنیا نیست مگر ناخوشی و خستگی و غم:

لَقَد خَلَقنَا الإِنسانَ في كَبَدٍ [بلد: ۴]

(به راستی که انسان را در رنج آفریده‌ایم).

۱۳ـ ابتلا فضل خداوند بر بنده و نعمت سلامت و عافیت را به یاد او می‌آورد:

این مصیبت با رساترین بیان، معنیِ سلامتی و عافیت را برای تو آشکار می‌سازد. چیزی که سال‌ها از آن بهره می‌بردی اما شیرینی‌اش را احساس نمی‌کردی و قدرش را نمی‌دانستی.

مصیبت‌ها هم نعمت دهنده و هم نعمت را به یادت می‌آورد و سببی است برای شکر الله سبحانه و تعالی به سبب نعمت‌هایش.

۱۴ـ مشتاق شدن به بهشت:

مشتاق بهشت نخواهی شد مگر هنگامی که تلخی دنیا را بچشی. چگونه می‌توان شوق بهشت را داشت، اگر دنیا همه‌اش خوشی و لذت باشد؟

این‌ها برخی از حکمت‌ها و منافعی بود که در پی ابتلا حاصل می‌شود و حکمت‌های الهی بیشتر و برتر است.

والله تعالی اعلم